

مبنای مشروعیت و مقبولیت حکومت اسلامی در منظومه فکری آیت الله سید محمد باقر صدر
محمد بازوند^۱ - مسعود مطلبی^۲ - علی فلاح نژاد^۳ - علی فلاحی سیف الدین^۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱

چکیده:

یکی از مباحث بنیادی و اساسی هر حکومتی بحث مشروعیت و مقبولیت است که تقویت آن در استقرار و ثبات و یا بالعکس تضعیف آن در بی ثباتی و فروپاشی حکومت نقش بی بدیلی دارد. در این نوشتار که با رویکرد توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر درآمده است در پاسخ به چیستی مبنای مشروعیت و مقبولیت در نظریه حکومت اسلامی آیت الله سید محمد باقر صدر این استدلال ارائه می شود که وی مشروعیت را ترکیبی از اراده الهی - مردمی می دانست. چنان که در کنار پذیرش ولایت فقیه به عنوان منشأ مشروعیت الهی حکومت اسلامی، بر نقش مردم در تعیین سرنوشت خویش تأکید می نمود و تلاش داشت با اعطای حق انتخاب به ملت در همه ابعاد و جوانب حکومت، میان مشروعیت و مقبولیت در حکومت اسلامی پیوند ایجاد نماید.

واژگان کلیدی: مشروعیت، مقبولیت، حکومت اسلامی، ولایت فقیه

^۱ - دانشجوی دکتری، علوم سیاسی (اندیشه سیاسی)، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، لرستان، ایران
M.bazvand1396@gmail.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، گلستان، ایران: نویسنده مسئول
mmtph2006@yahoo.com

^۳ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، لرستان، ایران

^۴ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، لرستان، ایران

۱- مقدمه

آیت الله سید محمد باقر صدر^۱ فقیه، اصولی، مجتهد، مرجع تقلید، مبتکر و نظریه‌پرداز شیعه و سیاستمدار عراقی بود. او در نجف از محضر آیات عظام «سید ابوالقاسم خویی» و «شیخ محمد رضا آل یاسین» کسب فیض کرد. فلسفه اسلامی را از مرحوم «شیخ صدرا بادکوبه-ای» آموخت و در کنار آن طی سالها فلسفه غرب و نظرات فلاسفه غیر مسلمان را به دقت مورد تحقیق و نقد قرار داد. دوران مرجعیت سید محمدباقر صدر، پس از وفات «آیت الله سید محسن حکیم»^۲ آغاز شد و بسیاری از مردم عراق از وی تقلید کردند. او در دانش‌هایی چون اصول، فقه، فلسفه سیاست و معرفت‌شناسی نظریه‌های جدیدی ارائه داده است. برخی از نظریه‌های مشهور وی عبارت است از: نظریه «حق الطاعه»، «توالد ذاتی معرفت» و «منطقه الفراغ». او کتاب‌های فراوانی نیز نوشته است که فلسفتنا، اقتصادنا، دروس فی علم الاصول و الاسس المنطقیه للاستقرار» از مهمترین آنهاست. کتاب فلسفتنا گویای ابعاد گسترده اندیشه‌های فلسفی وی است. مشارکت در تشکیل حزب الدعوة الاسلامیه، صدور فتوای حرمت عضویت مسلمانان در حزب بعث عراق و برپایی راهپیمایی و تظاهرات در شهرهای شیعه‌نشین جنوب عراق و بغداد بخشی از فعالیت‌های سیاسی سید محمد باقر صدر است که از حامیان صادق امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی بود. واقع نگری در مسائل فقهی و ارزیابی ویژه از منابع فقه دقت در بررسی سند و دلالت روایات حجت دانستن پاره‌ای از اجماع‌ها، دوری از نگاه فرد گرایانه به فقه و توجه به بُعد اجتماعی مسائل سبب شده که وی به عرصه‌های جدیدی همچون نظریه پردازی در ابعاد سیاسی و حکومتی گام نهد. در منظومه فکری-سیاسی ایشان در حوزه مشروعیت و مقبولیت حکومت اسلامی عناصر مردم سالاری دینی قوی است و بر نوعی برداشت دموکراتیک از دین استوار است که در قالب نظریه «خلافت مردم و نظارت مرجعیت» ارائه شده است. به ویژه تأکید او بر نقش مردم در انتخاب موارد اختلافی فقیهان و نیز تقنین در حوزه فراخ مباحات، قابل توجه است که توأم با اجتهادهای جدید و متناسب با اقتضائات زمان است. در باب نظریه پردازی در زمینه حکومت اسلامی وی در ابتدا با نظریه دولت انتخابی اسلامی و سپس نظریه نهایی خلافت مردم و نظارت مرجعیت در تداوم اندیشه سیاسی شیعه با محوریت حقوق مردم و رعایت ضوابط دینی نقش مؤثری ایفا کرد.

^۱- متولد ۱۰ اسفند ۱۳۱۳ شمسی در کاظمین/شهادت ۱۹ فروردین در ۱۳۵۹ نجف

^۲- ۱۲۶۸-۱۳۴۹ ش

۲- ادبیات نظری تحقیق

۲-۱- مشروعیت

مشروعیت معادل واژه «legitimacy» است و به معنای فرمانبری داوطلبانه و پذیرش آگاهانه مردم از تصمیمات قدرت سیاسی حاکم و بر حق بودن یا حقانیت است. (کواکبیان، ۱۳۷۷: ۴۷۷؛ آقا بخشی، ۱۳۷۴: ۱۸۵) یکی از نظریه‌های معروف در باب ملاک مشروعیت نظریه قرارداد اجتماعی است که به مقتضای آن تمایل و خواست مردم معیار حقانیت حکومت دانسته شده است. بدان معنا که بین شهروندان و دولت قراردادی منعقد می‌گردد که مردم خود را در قبال التزام حکومت به ایجاد امنیت و نظم امور و رفاه حال شهروندان، ملزم به پیروی از دستورات حکومت می‌دانند. فی الواقع نظریه قرارداد اجتماعی ناظر است بر تنظیم قراردادی میان افراد آزاد برای بنیاد نهادن اصول سیاسی، مدنی، یا اخلاقی در یک اجتماع. در این راستا، نظریه قرارداد اجتماعی می‌کوشد با تکیه بر مفهوم توافق، به این اصول مشروعیت ببخشد. قرارداد به واسطه این توافق مدعی نوعی مشروعیت و اقتدار می‌گردد که از پیمان کسانی که متعهد شده‌اند به این قرارداد ملتزم بمانند نشأت گرفته است. (ادگار، سج ویک، ۱۳۸۷: ۲۱۱) اما در شریعت اسلام، معیار مشروعیت حکومت، الهی بودن آن است. بدین معنا که زمانی حکومتی از نظر اسلام، بر حق است که از ناحیه حضرت احدیت باشد چرا که به مقتضای نصوص قطعی از کتاب و سنت، حکومت از آن خداست و هیچکس غیر از او حق حکومت بر انسانها را ندارد و فقط خداوند صاحب حکومت بر مردم است. هر چند چنانچه بخواهند می‌توانند این حق و یا مقداری از آن را به شخصی عطا کند و در این صورت است که حکومت آن شخص به جهت استنادش به خداوند مشروعیت می‌یابد. بر این اساس مشروعیت حکومت دینی ناشی از حق خداوند است و لاغیر و چنان که در مباحث فلسفه سیاست مطرح است بین مشروعیت و مقبولیت فرق اساسی است، و در اندیشه سیاسی اسلام مبداء مشروعیت خداوند و مقبولیت ناظر به جایگاه رفیع مردم و نقش آنها در تأسیس حکومت دینی است.

واژه مشروعیت در در حوزه‌های سیاسی و فقهی دارای وجوه متمایزی است. (اکبری معلم، ۱۳۸۳: ۱۱۲-۱۱۱) که متمایز عبارتند از:

الف) مشروعیت سیاسی دارای مراتب عدیده و تشکیک پذیر است، یعنی هر چه رضایت شهروندان به حکومت زیادتر باشد، نظام مشروعیت بیشتری خواهد داشت، ولی در مشروعیت فقهی، نظام یا مشروع است و یا نامشروع، یعنی تشکیک بردار نیست.

ب) مشروعیت سیاسی دو بُعدی است که به رفتار مردم در قبال اوامر حکومت برمی‌گردد، ولی مشروعیت فقهی امری هنجاری و ارزشی است.

ج) مشروعیت سیاسی دارای منابع مختلف (سنتی، قانونی و کاریزماتیک) می‌باشد، ولی مشروعیت فقهی تنها یک منبع (نص) دارد که به دست فقها و کارشناسان دین کشف می‌شود.

د) در مشروعیت سیاسی کسب رضایت مردم یک اصل اساسی است، چه در مرحله تأسیس و چه در مراحل بعدی، اما مشروعیت فقهی مقدم بر تأسیس حکومت است. (کواکبیان، ۱۳۷۷: ۴۷۷)

۲-۲- مقبولیت

مقبولیت به معنای پذیرش، قبول و انتخاب حاکمان از طرف مردم برای اعمال حاکمیت و اجرای دستورهای یک نظام سیاسی است. (همان: ۴۹۶) در فرهنگ سیاسی غرب بین مشروعیت و مقبولیت یک نظام سیاسی تفاوتی وجود ندارد، چون بر آن اساس، مشروعیت هر حکومتی از مقبولیت آن سرچشمه می‌گیرد. اما در ادبیات فقهی این واژه‌ها تفاوت دارند. مقبولیت حکومت به آن است که بتواند مسائل و مشکلات روزمره مردم را حل و فصل کرده و خواسته‌ها و نیازهای آنان را بر آورده سازد، اما مشروعیت حکومت با پذیرش ساختار پیشنهادی به دست می‌آید.

(اکبری معلم، ۱۳۸۳: ۱۱۲)

۲-۳- ارتباط مقبولیت با مشروعیت

رابطه مقبولیت با مشروعیت را در فقه سیاسی اسلام می‌توان در عبارات زیر بیان کرد:

- مشروعیت به مثابه مقبولیت

این نوع از مشروعیت در زمان پیامبر اکرم (ص) محقق شد، چون او برگزیده خدا و مشروع بود و مقبولیت نیز یافت. طرفداران این دیدگاه معتقدند ولایت الهی در تدبیر امور جامعه به طور مستقیم به پیامبر اکرم (ص)، سپس به امام معصوم^(ع) و بعد به فقهای عادل منصوب از طرف امام معصوم^(ع) تفویض شده است. بر اساس این نظریه، رأی، خواست و رضایت مردم نه تنها در مشروعیت حکومت دخالتی ندارد، بلکه مردم موظف به اطاعت از حاکم اسلامی هستند؛ البته بدیهی است مردم در تحقق خارجی حکومت و به فعلیت رساندن ولایت فقها نقش تعیین کننده‌ای دارند. مبنای اول خود به چند نظریه تقسیم می‌شود:

الف) نظریه ولایت انتصابی عامه فقها: در این نظریه، جامعه بشری بدون ولایت الهی به رستگاری نمی‌رسد و تنها شکل حکومت مشروع، ولایت الهی بر جامعه انسانی است. بر این اساس، هر جامعه‌ای که تحت ولایت فقهای عادل نباشد، تحت ولایت طاغوت است. امور جامعه بدون اشراف

ولی فقیه منحرف می‌شود؛ البته در مواردی که ولی فقیه صلاح بداند، بعضی از امور غیرکلان سیاسی و اجتماعی تحت نظارت ایشان، به عهده مردم نهاده می‌شود. مطابق با این نظریه رأی و خواست مردم هیچ نقشی در مشروعیت دادن به تصرفات و ولایت منحصر به فقیه نداشته و مردم واسطه تفویض منصب ولایت به او نیستند، بلکه مردم به عنوان مولی علیهم موظف به اطاعت از ولی فقیه هستند. بنابراین مردم یا نمایندگان آنها (خبرگان و غیر خبرگان) هرگز در نصب یا عزل ولی فقیه دخالتی ندارند. آیت الله جوادی آملی از معتقدان به ولایت انتصابی فقیه در این باره می‌نویسد: «مردم که مبدأ قابلی حکومت‌اند نه مبدأ فاعلی آن صاحب اختیار آن امر نخواهند بود تا زمامدار آن باشند و با تبادل نظر یکدیگر آن‌را انشاء کنند و بیافرینند». (جوادی آملی، ۱۳۶۸: ۱۶۴) آیت الله محمد مؤمن قمی نیز تصریح می‌کند: «در مورد هر امری که مربوط به مصالح امت است ولی فقیه عهده‌دار آن است و مردم در این باره اختیاری ندارند و اعتباری به رضایت و یا عدم رضایت آنان نیست... زیرا مقتضای ولایت الغاء اختیارات مولی علیه است». (مؤمن قمی، ۱۴۱۵ق: ۲۰) بر اساس این دیدگاه مردم در همه اموری که مربوط به حکومت و ولایت امت است ناتوان از تصدی و فاقد اهلیت هستند و برای رفع این نقص و قصور لازم است که ولایت و سرپرستی فقیهی را که از سوی امام معصوم^(ع) نصب شده است بپذیرند، زیرا فقیه جامع‌الشرایط در تدبیر امر سیاسی و مدیریت اجتماعی جامعه نسبت به دیگران اولویت دارد.

البته آیت الله ناصر مکارم شیرازی معتقد است اگر عدم رجوع به آرای عمومی دستاویزی برای دشمنان اسلام و موجب وهن نظام اسلامی شود، بنابه عنوان ثانوی و از باب اضطرار می‌توان به نحوی به رأی مردم رجوع کرد. (مکارم شیرازی، ج ۱: ۵۱۶) در این نظریه، ولایت فقها عقد نیست تا شرط ضمن عقد (تقید به قانون اساسی و...) داشته باشد. از این منظر، فقیه فقط در برابر خدا مسئول است و مرجع تشخیص مصلحت، ولی فقیه می‌باشد. ملاحمد نراقی، شیخ محمد حسن نجفی، آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی، آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، آیت الله محمد مومن قمی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله ناصر مکارم شیرازی از قائلان به این نظریه هستند. (دارابی، مطلبی، ۱۳۹۹: ۲۸۸-۲۸۰) این نظریه تا حال امکان پیاده شدن پیدا نکرده است.

ب) ولایت انتصابی عامه شورای مراجع تقلید: در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ در اصول پنجم و یکصد و هفتم، ولایت شورایی (متشکل از سه یا پنج مرجع واجد

شرایط رهبری در صورت عدم توافق مردم و خبرگان در مورد یک فرد) به رسمیت شناخته شده بود. براساس این نظریه، ولایت به شورایی از مراجع تقلید در عصر غیبت از سوی شارع تفویض شده است. در این نظریه محدوده ولایت فراتر از امور حسبیه و فروتر از اختیارات مطلقه است. شورای رهبری در چارچوب احکام شرعی اختیار دارد. علت ترجیح ولایت شورایی از ولایت فردی، صایب‌تر بودن عقل جمعی نسبت به عقل فردی، امر خدا به شور و مشورت و ابتنای سیره نبوی به شورا می‌باشد. (کدیور، ۱۳۸۰: ۱۰۷)

ج) ولایت انتصابی مطلقه فقها: امام خمینی^(۵) مبتکر این نظریه است. مطلقه بودن فقیه در اینجا به این معانی است: تقیّد به امور عمومی و حکومت و سیاست، تقیّد به مصلحت مجتمع اسلامی، عدم تقیّد به امور حسبیه، عدم تقیّد به چارچوب احکام فرعی الهیه اولیه و ثانویه، یعنی اختیارات حکومت محصور در چارچوب احکام الهی نیست. بر اساس نظر امام خمینی^(۵)، حکومت یکی از احکام اولیه است و بر تمامی احکام فرعی حتی نماز و روزه و حج مقدم است و حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در موقعی که آن قراردادها مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک جانبه لغو کند. همچنین حکومت می‌تواند از هر امری چه عبادی و غیر عبادی که جریان آن مخالف مصالح عمومی جامعه است، مادامی که چنین است، جلوگیری کند. (امام خمینی، ۱۳۶۶، ج ۲۰: ۱۷۰ و ۱۷۴) بنابراین فقیه می‌تواند براساس مصلحت نظام، حکم وضع نماید.

همچنین مطلقه بودن به معنای عدم تقیّد به قوانین بشری از جمله قانون اساسی نیز است، چون بر مبنای مشروعیت الهی بلاواسطه، محدوده ولایت را شارع تعیین می‌کند نه مردم. مشروعیت قانون اساسی از ولی فقیه است، بنابراین ولی فقیه حق دارد در صورت صلاح دید و بنابر مصالح اسلام و مسلمانان در مواقع ضروری، قانون اساسی را نقض کند؛ اما این یک نقض ظاهری است، زیرا قانون اساسی واقعی همان قانون اسلام است که ولی فقیه آن را نقض نکرده است. (امام خمینی، ج ۲۱، ۱۳۶۷: ۶۱) اوامر ولی فقیه در حکم قانون است و در صورت تعارض ظاهری با قانون، مقدم بر قانون است. (همان: ۵۷، ۶۱، ۱۲۲ و ۱۲۳) با توجه به نوع نگرش امام خمینی(ره) به فقه و مصالح جامعه اسلامی، نظریه ولایت مطلقه فقیه دارای ویژگی‌هایی است، از قبیل: توجه کافی به مصلحت‌های حکومت و جامعه، عنایت ویژه به نقش زمان و مکان در اجتهاد، توان حل همه مشکلات و هدایت جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی، فقه به عنوان نظریه اداره انسان و اجتماع و سیاست جزئی از دیانت و شعبه‌ای از

فقه است. این نظریه با نظریه ولایت انتصابی عامه فقها تنها در خصوص محدوده اختیارات دولت اختلاف دارد. (اکبری معلم، ۱۳۸۳: ۱۱۷)

- مقبولیت بخشی از مشروعیت

مکتب خلافت معتقد است بعد قانونیت (مرتبہ جعل و اعتبار) پس از پیامبر اکرم (ص) به امت واگذار شده است؛ بنابراین مقبولیت حکومت در بین مردم مسلمان، بخشی از مشروعیت آن است؛ یعنی شارع به مردم مسلمان اجازه داده است تا براساس ضوابط شرعی، حاکم اسلامی را انتخاب و قبول نمایند.

- مقبولیت شرط تحقق مشروعیت

در این دیدگاه، حاکم اسلامی منصوب الهی است و منشأ مشروعیت حکومت، شارع است، ولی مردم در عینیت بخشیدن حکومت نقش اصلی را دارند، یعنی مقبولیت عمومی، در اصل مشروعیت امام معصوم^(ع) بی تأثیر است، اما شرط تحقق خارجی آن می باشد.

این مبنا خود به چند دیدگاه تقسیم می شود: (اکبری معلم، ۱۳۸۳: ۱۱۹-۱۱۷)

الف) نظریه دولت مشروطه (با اذن و نظارت فقها): آیت الله میرزا محمد حسین نائینی^۱ از مراجع تقلید شیعه در عصر مشروطه از نظریه پردازان این دیدگاه به شمار می آید که بطور مبسوط به آن در کتاب **تنبيه الامم و تنزيه الملة** پرداخته است. حفظ ارزش و حیثیت فردی، بنیاد نظریه فوق را تشکیل می دهد. محدودیت دولت (قدرت سیاسی) (به وسیله قانون اساسی، تفکیک قوا و نظارت قوا بر یکدیگر) و تفرق قدرت و اقتدار سیاسی ویژگی اصلی دولت مشروطه است. تمامی اصول و مبنای دولت مشروطه از کتاب و سنت به ویژه از توصیه ها و دستورهای امام علی^(ع) اخذ شده است. بر اساس این نظر، شورا از مسلمات اسلام است. اصل سلطنت اسلامی، شورایی است و رجوع به اکثریت نه تنها بدعت نیست، بلکه مورد تأیید شرع، عقلا و از باب مقدمه حفظ نظام، واجب است. در این نظریه، حقوق مردم در کنار ولایت فقها به رسمیت شناخته می شود. (نائینی، ۱۳۸۲: ۸۲)

ب) ولایت انتخابی مقیده فقیه: مشخصه عمده نظریه نخب یا ولایت انتخابی، این است که در مقام ثبوت تفویض صورت نگرفته است و آنچه هست تعیین فقهای جامع الشرایط به عنوان نامزدهای ولایت از سوی امام معصوم(ع) و انتخاب والی از سوی مردم است و اختیارات حاکم

^۱ - ۱۲۷۷ - ۱۳۵۵ ق

و ولی فقیه، از طرف مردم تفویض می‌گردد. نتیجه منطقی این تفویض این است که اولاً اختیارات در هنگام تفویض، قابل توسعه و تضییق است؛ ثانیاً موقتی بودن مدت رهبری، ممکن است و تعیین مدت، به عهده مردم است. (جوان آراسته، ۱۳۸۴: ۲۶۲) یعنی ولی فقیه، از سوی شارع منصوب نیست، بلکه شارع، مردم را موظف ساخته است که فقیه عادل با کفایت را به رهبری، انتخاب کند. او پس از انتخاب مردم، ولایت خواهد یافت و مجاز خواهد شد در شؤن اجتماعی، تصرف کند و رهبری را به دست گیرد. (واعظی، ۱۳۷۸: ۱۰۹) بنابراین طبق این نظریه، نامزد-های تصدی منصب ولایت فقیه، که ویژگی‌های کلی را دارا هستند، از سوی شارع، معین شده و این مردم هستند که به انتخاب خود، یکی را به عنوان وکیل خود برمی‌گزینند. در بیانی شفاف‌تر طرفداران این دیدگاه بر این باورند که از روایاتی که دلالت بر ولایت فقیهان واجد شرایط دارد، نمی‌توان نصب بالفعل فقیهان را اثبات کرد، بلکه این روایات تنها در مقام بیان شرایط ولی امر است اما انتخاب ولی امر، به عهده امت گذاشته شده و با انتخاب امت ولایت او فعلیت پیدا می‌کند. (دارابی، مطلبی، ۱۳۹۹: ۲۹۸-۲۹۶)

به رغم مطالعات و نظریه پردازی‌های اولیه آیت الله نعمت‌الله صالحی نجف آبادی (۱۳۰۲-۱۳۸۵ش)، آیت الله مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ش)، محمدجواد مغنیه (۱۳۲۲-۱۴۰۰ق) و آیت الله محمد مهدی آصفی (۱۳۱۶-۱۳۹۴ش) مبانی نظریه ولایت انتخابی را آیت‌الله منتظری بیان کردند. طبق این نظر، اگر چه برابر اصل اولی هیچ انسانی بر انسان دیگر حاکمیت و ولایت ندارد، ولی به حکم عقل و فطرت، انسان همواره ناچار به پذیرش برخی حاکمیت‌ها می‌شود؛ مثل حاکمیت خداوند و حاکمیت کسانی که از جانب خدا به ولایت بر انسان‌ها و به حکومت منصوب شده‌اند. این اصل بر اصل اولی مقدم بوده و بر آن حکومت دارد. (منتظری، ۱۳۶۷: ۱۱۶-۱۱۱) به عبارت دیگر، فقها در عصر غیبت دارای صلاحیت جانشینی و عهده‌داری مسئولیت از جانب امام زمان (عج) هستند، ولی به دلیل عدم امکان تعیین و معرفی فقها در عصر غیبت با اسم و مشخصات از جانب شارع، و از طرف دیگر، به دلیل عدم جواز تعطیلی اجرای احکام اسلام، خداوند صفات و شرایطی را برای رهبری مشخص کرده که انتخاب و تعیین رهبری در هر زمان و مکان بر اساس آن صورت گیرد و تطبیق این شرایط و اصول بر افراد و تعیین و تشخیص رهبر از میان افراد متعدد به طور مستقیم به مردم یا خبرگان آنان و اگذار شده است و در صورت انتخاب رهبر طبق ضوابط مقرر شرعی، وی بالفعل امام و رهبر واجب‌الاطاعه خواهد شد. (منتظری، ۱۳۶۷: ۱۷۹ و ۲۰۲) البته نه در تمام تصمیم‌گیری‌ها حتی در تعیین

رهبر پس از خود، بدون تحصیل رضای امت. (منتظری، ۱۳۶۷: ۱۹۱) بنابراین دیدگاه، فقهای عادل در زمان غیبت بر فرض نصب عام از جانب ائمه معصومین^(ع)، باز هنگامی که در زمان واحدی، تعداد فقها با شرایط مساوی متعدد باشد، مردم موظفند از میان آنان یک نفر را به رهبری و امامت انتخاب کنند، چرا که نصب و نصی در این مورد وجود ندارد. (همان: ۱۷۸) پس حکومت و امامت (وظایف سه گانه امامت یعنی افتا، ولایت و قضاوت) در هیچ زمانی تعطیل بردار نیست و منصوص بودن در آن شرط نمی‌باشد.

بر اساس این دیدگاه، حاکم اسلامی اجرای احکام اجتماعی اسلام را بر عهده دارد و حکومت اسلامی مقید و مشروط به قوانین متخذ از کتاب و سنت است. رئیس حکومت اسلامی، فقیه واجد شرایط است نه شورای رهبری. در زمان غیبت که نصب خاصی وجود ندارد، حق تعیین سرنوشت سیاسی و انتخاب حاکم از بین واجدان شرایط به امت واگذار شده است، پس حکومت در عصر غیبت انتخابی است. بنابراین مشروعیت حکومت در عصر غیبت مستند به رأی مردم است، البته در چارچوب قوانین شرع حاکم اسلامی به جهت انتخابی بودن، در برابر مردم یا خبرگان مردم مسئول است.

این نظر، تفاوت‌هایی با نظریات دیگر دارد: اول اینکه ولایت فقیه (فرد) به جای ولایت فقها (جمع) است؛ دوم، انتخاب به جای تعیین و تشخیص است (انتخاب به رسمیت شناختن حقوق مردم و لوازم آن است ولی تعیین ممکن است از راه قرعه نیز تحقق یابد)؛ سوم، مشارکت مردم در تعیین رأس هرم قدرت سیاسی است؛ چهارم، با رعایت شرایط معتبر در حاکم اسلامی، اسلامی بودن نظام و با پذیرش حق تعیین سرنوشت توسط مردم، جمهوری بودن نظام تضمین می‌گردد. (کدیور، ۱۳۸۰: ۱۴۱)

ج) نظریه خلافت مردم با نظارت مرجعیت: مطابق این نظریه آیت الله سیدمحمد باقر صدر، ولایت اصیل از آن خداست و خدا انسان را خلیفه خود بر روی زمین قرار داده و او را بر سرنوشت خود حاکم گردانده است. انسان در برابر خدا مسئول است و برای ادای این مسئولیت، آزاد آفریده شده است. امت، حاکمیت خود را بر اساس مشورت همگانی و رأی اکثریت متبلور می‌سازد و با انتخاب رئیس قوه مجریه و اعضای مجلس مقننه اعمال حاکمیت می‌کنند. قوانین جامعه بایستی مطابق اصول اسلام باشد یا تعارضی با اهداف اسلام نداشته باشد. در عصر غیبت، خلافت به امت، و نظارت و اشراف به مراجع تقلید واجد شرایط واگذار شده است. آیت الله صدر چنین نظامی را (خلافت مردم با نظارت مرجعیت) جمهوری اسلامی می‌نامد. فرق این نظریه با

نظریه مشروطه در این است که در نظریه مشروطه نقش مردم با اذن فقهای صاحب ولایت در امور حسبه آغاز می‌شود، اما در این نظریه، حقوق سیاسی مردم، مستقل از ولایت فقها به رسمیت شناخته شده است. (همان: ۱۲۷)

۳- سید محمدباقر صدر و مقوله مشروعیت و مقبولیت حکومت اسلامی

واژه حکومت از ریشه عربی «حکم» می‌آید که به معنی قضاوت کردن و دستور دادن و داوری کردن و همین‌طور جلوگیری کردن و دهنه زدن به اسب استاین واژه با واژه حکمت به معنی دانایی نیز هم‌ریشه است. (بندررگی، ۱۳۷۷: ۱۰۷) حکومت در زبان انگلیسی «Government» نامیده می‌شود. در بریتانیا (و بسیاری از دیگر کشورهای جهان که از نظام سیاسی این کشور تأثیر پذیرفته‌اند)، این واژه به شاخه اجرایی و قوه مجریه دولت نیز به طور خاص اطلاق می‌شود. (-: Bealey, 1999) این مفهوم بریتانیایی از «Government» معادل اما مفهوم آمریکایی «Administration» است که در آمریکا به قوه مجریه آن اشاره دارد. در آمریکا واژه «Government» به نظامی گسترده‌تر نظر دارد که تحت آن کشور مورد سازمان‌دهی و اداره قرار می‌گیرد. (-: Oxford English Dicti onary: 2012)

حکومت ابزاری است که به وسیله آن سیاست‌های دولت مورد اعمال واقع می‌شوند و همین‌طور این نهاد خود سیاست‌گذار و تعیین‌کننده راهبردهای پیش روی کشور است. نوع حکومت و شکلی که کشور با آن اداره می‌شود، به نظام‌های سیاسی مختلف و نهادها و ابزارهایی بستگی دارد که مورد استفاده ایشان قرار می‌گیرد. این نهاد معمولاً از سه بخش یا قوه تشکیل می‌شود: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه. تمام کشورها با حکومت‌هایی که از پی هم می‌آیند، اداره می‌شوند. (Flint & Taylor, 2007: 137) هر حکومتی که جایگزین حکومت دیگر می‌شود متشکل از بدنه‌ای از افراد است که تصمیمات سیاسی را اتخاذ کرده و بر اجرای آنها نظارت دارند. کارکرد ایشان این است که قوانین را ایجاد کرده و آنها را عملی سازند و در مواقع اختلافات و درگیری‌ها میان طرفین دعوا داوری کنند. در بعضی از جوامع، این حکومت‌ها به گونه‌ای ابدی یا موروثی کنترل امور را در دست دارند. در دیگر جوامع که دموکراسی در آنها نقش به‌سزایی دارد، نقش‌های سیاسی در جای خود باقی می‌مانند اما جا به جایی در میان افرادی است که در این نقش‌ها و موقعیت‌ها قرار می‌گیرند. (Barclay, 1990: 31)

آیت الله سید محمدباقر صدر برای تعریف حکومت از واژه‌هایی مانند «السَّيَادَةُ»، «السُّلْطَةُ»،

«ولایت»، «حُکْم»، «خِلَافَت» و «اِسْتِخْلَاف» استفاده کرده است و در مفهومی عام، همه حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی انسان را مد نظر قرار داده است و آن را به صورت مطلق و حقیقی از آن خدا می‌داند. سید محمد باقر صدر حکومت را از حیث کارکردی مورد توجه قرار داده و چنین تعریف می‌کند: «تعریف الحکم فی الاسلام: الحکم فی الدوله الاسلامیه هو (رعايه شؤون الامه للشريعه الاسلامیه) و لذلک یطلق علی الحاکم کثیراً اسم الراعی و علی المحکومین اسم الرعیه کمانی حدیث الشریف کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیه؛ یعنی حکومت در دولت اسلامی رعایت منزلت و شئون مردم بر اساس شریعت اسلام است و به همین جهت حاکم را به نام داعی (یعنی کسی که رعایت کننده این شئون است) و فرمانبرداران را به رعیت (یعنی کسانی که می‌بایست رعایت شده منزلت و شأن آن‌ها حفظ شود) همانطور که در حدیث شریف آمده که هم شما رعایت کننده و موظف به رعایت زیر دستان خود هستید». (صدر، ۱۳۷۸ق: ۳۴۸)

از نوع تعریف برمی‌آید که چون اسلام شکلی خاص و سازمانی معین بعنوان الگوی ثابت برای حکومت ذکر نکرده، سید محمد باقر صدر نیز تعریف خود را از دریچه معنایی و مفهومی بیان نموده تا این تعریف بعنوان معیاری ثابت و مشخص در اشکال متفاوت حکومت در ادوار تاریخ مطرح گردد. هر چند ایشان برای زمانه خود نیز چارچوبی کامل از ساختار نظام سیاسی ارائه نموده و می‌فرمایند: «حکومت اسلامی در درون دولت اسلامی برای تحقق اهداف، آرمان‌ها، مسئولیت‌های آن بوجود می‌آید و در واقع بخشی یا رکنی از دولت و نظام کلی سیاسی جامعه است. بنابراین دولت اسلامی می‌تواند برای تحقق اهداف خود بویژه مهمترین آن اهداف یعنی رعایت و حفظ مصالح و شئون جامعه بر مبنای دین اسلام و با توجه به مقتضیات زمان حکومت مورد نظر خود را بوجود آورد». (جمشیدی، ۱۳۷۷: ۲۷۷) او همچنین در بیان ارکان حکومت اسلامی سه نهاد عمده را مطرح می‌کند که شامل امت، رهبری (مرجعیت) و ساختار سیاسی است (قوای سه گانه) از دیدگاه او، مردم در عصر غیبت با هدایت و رهبری مرجع، حکومت را تشکیل می‌دهند و نهادهای آن را به وجود می‌آورند.

آیت الله سید محمد باقر صدر بر پایه شاخصه‌های مختلف، برای حکومت، انواع متفاوتی بیان نموده است. او حکومت‌ها را بر اساس قانون، وحدت سیاسی، تفکیک قوا، نظام اجتماعی، نحوه شکل‌گیری حکومت و همچنین با محور قرار دادن مکتب اسلام مورد توجه قرار داده و تقسیم بندی می‌کند. بطور کلی انواع حکومت از نظر سید محمد باقر صدر (با توجه به نظریه وی در مورد حکومت اسلامی و ویژگی‌های اساسی حکومت) عبارت است از:

۱. حکومت اسلامی (الحکم الاسلامی یا حکومت الاسلامیة)

۲. حکومت تغلبیه (القولۃ التغلبی - نظام مبتنی بر زور و سلطه)

۳. حکومت ملکیه (نظام ملک - نظام پادشاهی و سلطنتی)

۴. حکومت اشرافی (الحکومتۃ الارستقراطیة)

۵. حکومت فردی (الحکومتۃ الفردیة)

۶. حکومت دموکراسی (النظام الدیمقراطی). (جمشیدی، ۱۳۷۷: ۲۸۲)

او از میان حکومت‌هایی با محتوا، ماهیت و اشکال متفاوت، حکومتی را بهترین دانسته که دو شاخصه اصلی یعنی خط خلافت امت و گواهی مراجع عام را دارا باشد و معتقد است که: «اسلام در زمان غیبت، مسئولیت‌ها را میان مراجع و امت و میان اجتهاد شرعی و شورا تقسیم کرده است ... و نیز بدین گونه نبود که هم خلافت و هم نظارت را در یک فر منحصر کند». (صدر، ۱۳۵۹ش: ۵۰) همچنین است «اگر صحنه سیاست و حکومت خالی از یک فرد معصوم باشد بلکه یک مرجع ناظر وجود دارد و از سوی دیگر اگر امتی نباشد که به گونه‌ای انقلابی متکامل شده باشد و نوعاً در بینش و برخوردش با مسایل، معصوم و مصون از خطا گشته است نیز پیدا نشود، ناگزیریم که شرکت هر دو را مرجعیت و امت در ایفای نقش اجتماعی و الهی خود بپذیریم و خلافت به امت و شهادت و نظارت همانگونه که گفته شد به مرجعیت سپرده شود». (همان)

از این رو می‌توان گفت که حکومت مطلوب از نگاه سید محمد باقر صدر با دموکراسی غربی در این نقطه اختلاف دارد که در حکومت اسلامی در حالی که حق را به امت می‌دهد، همان‌گونه که دموکراسی نیز مدعی آنست به موازات آن حق نظارت و راهنمایی را که همان خط گواهی است به مرجعیت واگذار می‌کند. در حالی که در دموکراسی مردم خود دارای حاکمیت و خود نیز ارزیاب و نظارتگر آن هستند.

آیت الله سید محمدباقر صدر به لحاظ زمانی سه نظریه سیاسی در موضوع حکومت، ولایت فقیه یا رهبری ارائه داده است:

- حکومت انتخابی براساس شورا

وی این نظریه را در سال ۱۳۷۸ قمری یعنی در اوایل تشکیل حزب الدعوة الاسلامیة در کتاب «الأسس الاسلامیه ابراز کرد و در آن به دو شکل دولت اسلامی اشاره می‌کند:

شکل اول؛ شکل الهی: یعنی حکومت معصوم که صلاحیت خود را بلاواسطه از خداوند به دست می‌آورد و از سوی او به نصب خاص بدون دخالت و اختیار مردم و آرایش تعیین میشود

شکل دوم؛ حکومت شورایی یا حکومت امت: بر مبنای آیه شریفه «و امرهم شورا بینهم» شارع مقدس طریقه شورایی را تأیید کرده و آن را در آنجا که منعی از خدا و رسول^(ص) نرسیده باشد، معتبر می‌داند.

به زعم آیت الله صدر شکل شورایی حکومت یا شکل امتی (جمهوری) امروزه برای امت اسلامی شکل جایزی است. این نوع حکومت که مبتنی بر رأی و نظر مردم است. علاوه بر اینکه بنیانی عقلی و تکوینی دارد از نظر تشریحی نیز مستنتج از قول خدا در قرآن وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ (سوره شوری، آیه ۴۳) می‌باشد که در صفات مؤمنین وارد شده است و در جایی که حکومت مبتنی بر نص (منصوص) نباشد این نوع حکومت مناسب خواهد بود. «فالامر انما یجوز ان یکون شوری بینهم فیما اذا لم یقض النص الشرعی بقضاء المعین». (صدر، ۱۳۷۸ق: ۳۵۰)

آیت الله سید محمدباقر صدر در مورد جواز حکومت شورایی در زمان غیبت می‌نویسد: «...شوری در عصر غیبت شکل جایز حکومت می‌باشد. بنابراین صحیح است که امت بر اساس صلاحیت خود در اجرای شرعی و وضع و تنفیذ تعالیم (احکام ثانوی) حکومت را بر پا سازد». (صدر، ۱۳۷۸ق: ۳۵۱) شکل‌های مختلف حکومت شورایی، مادامی که در ضمن حدود شرعی باشد، می‌تواند معتبر باشد. هر شکل از شورا که معارض احکام شرعی باشد، مانند این که زمام جامعه اسلامی به فاسق سپرده شود، مشروع نیست. (صدر، ۱۳۷۸ق: ۳۴۸)

- ولایت انتصابی عامه فقیهان

این نظریه را در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ قمری در رساله‌های عملیه «منهاج الصالحین» و «الفتاوی‌الواضحه» عرضه کرد؛ چهار رکن: ولایت، انتصاب، فقاہت و عام بودن قلمرو ولایت که تمام حوزه عمومی را شامل می‌شود، مبانی و ارکان این نظریه را تشکیل می‌دهند.

- خلافت مردم با نظارت مرجعیت

آیت الله سید محمدباقر صدر این نظریه را یک سال قبل از شهادت خود در سال ۱۳۹۹ قمری در پاسخ به سؤال شش نفر از علمای لبنان در توضیح مبانی جمهوری اسلامی در مجموعه «مختصر الاسلام یقود الحیاء» در حلقه چهارم به نام «خلافه الانسان و شهادة الانبیاء» به رشته تحریر درآورده است. این نظریه که رأی نهایی آیت الله صدر در باب دولت اسلامی تلقی می‌شود، ترکیبی از دو نظریه دو نظریه پیشینی است که صدر آنها را مطرح کرد؛ یعنی «حکومت انتخابی بر اساس شورا» و «ولایت انتصابی عامه فقهها». آیت الله صدر سرانجام به نظریه موسوم به «جمهوری اسلامی» رسید که به نظر وی بر دو اصل و عنصر حق خداداد خلافت انسان و

نظارت دینی مرجع صالح مهم استوار است. (کدیور، ۱۳۸۰: ۱۲۹-۱۲۸) در نظر ایشان آنچه‌چنان که در مجموعه «الإسلام يقود الحياه»، آمده اصول نظریه خلافت مردم با نظارت مرجعیت بر اساس مبانی زیر است:

اول اینکه حاکمیت و ولایت مطلق از آن خدای متعال است.

دوم اینکه اداره جامعه بشری در حوزه خلافت الهی که به انسان واگذار شده قرار دارد. این خلافت چنانکه قرآن از آن یاد کرده یک امانت الهی است که بر پایه آن اوامر و احکام و قوانین الهی اجرا می‌شوند. پیامبران علیهم السلام و امامان معصوم حجت‌های خداوند هستند که مسئولیت حفظ و هدایت و تضمین عدم انحراف خلافت انسانی را بر عهده دارند. آنان مرجع فکری و قانونگذاری در جامعه سالم بشری هستند. (صدر، ۱۹۹۱م)

در دیدگاه آیت الله سید باقر صدر در زمان غیبت کبری مسئولیت حفظ خلافت الهی انسانی به مراجع تقلید و فقها که تعیین نوعی شده‌اند واگذار شده است، یعنی شرایط عام آنها از سوی مردم تعیین شده است. از آنجایی که مراجع تقلید و فقیهان از ویژگی عصمت برخوردار نیستند در عوض باید از عدل و انصاف برخوردار باشند. آنان به جای علم لدنی که ویژه امامان معصوم بوده از اجتهاد بهره می‌گیرند. امامان معصوم^(ع) و فقها از این جهت با یکدیگر تفاوت دارند که امامان معصوم^(ع) می‌توانند حجت و جانشین باشند و در عین حال از ویژگی خلافت و نظارت هم برخوردارند. اما در عصر غیبت، این مراجع تقلید هستند که مسئولیت نظارت را بر عهده دارند، در حالی که خلافت در ملت تبلور پیدا می‌کند. (کدیور، ۱۳۸۰: ۱۲۹)

آیت الله سید باقر صدر در مباحث خود واژه‌هایی چون «المرجعیه الرشیده»، «المرجعیه الصالحه» و «المرجعیه العالمه» را به کار برده است و برای مرجعیت، دو بعد علمی-اجتماعی و سیاسی-اجتماعی قائل است و بر این باور است که آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است، بعد اجتماعی و سیاسی مجتهد است؛ به این معنا که مرجعیت او در جامعه تحقق عینی به خود گرفته و اصلتش ثابت می‌گردد و با دارا شدن درجه بالای عدالت، خبرگی و نیروی اراده به او روی آورده و تبدیل به پایگاه اعتماد اجتماعی، سیاسی و مذهبی جامعه و امت می‌گردد. (قپانچی، ۱۹۸۴م: ۸-۹) از این رو، در تعریف مرجعیت می‌گوید: «مرجعیت حقیقتی اجتماعی و اصولی است که در امت وضع شده است و بر اساس موازین عمومی شرعی استوار می‌گردد، و در حال حاضر، در رهبر انقلاب ایران که حدود ۲۰ سال امت را رهبری کرده، تحقق یافته است.» (مریجی، ۱۳۹۲: ۳۴)

اینکه در طول زمان، مرجعیت یاد شده در چه کسی تحقق پیدا می‌کند، آیت الله صدر می‌گوید: کسی که دارای ویژگی‌های زیر باشد، مرجع صالح خواهد بود:

(الف) صفات عدالت و اجتهاد مطلق را داشته باشد؛

(ب) خط فکری او، که با توجه به تألیفات و مباحث او مشخص می‌شود، روشن‌گر ایمان او به دولت اسلامی و ضرورت پاسداری از آن باشد؛

(ج) مرجعیت او به روشی طبیعی که پیوسته در تاریخ شیعه مورد قبول بوده است، فعلیت یافته باشد؛

(د) اکثریت اعضای مجلس المرجعیه، صلاحیت او را برای مرجعیت مورد تأیید قرار دهند. به علاوه، گروهی از کارگزاران دینی، که تعداد آنها را قانون اساسی مشخص می‌کند، نظیر علما و طلاب حوزه‌های علمیه و دانشمندان، ائمه جماعات، خطباً نویسندگان و متفکران اسلامی شایستگی وی را تأیید نمایند؛

(ه) در صورت تعدد مراجع صلاحیت دار با توجه به این شروط، مردم در یک فراندوم عمومی ملی یک نفر از آنها را انتخاب می‌کنند: يعود الی الامه امر التعیین من خلال استفتاء شعبی عام. (مریجی، ۱۳۹۲: ۳۴)

به اعتقاد سید باقر صدر صدر، وظایف مرجع صالح را می‌توان در پنج امر خلاصه کرد:

۱. نشر احکام اسلام در وسیع‌ترین شکل ممکن، در میان مسلمانان و پرورش دینی آنها به گونه‌ای که احکام اسلامی، در اعمال آنان رؤیت شود؛

۲. برگزیدن روشی که مفاهیم گسترده دینی را در باور امت اسلامی جا می‌دهد. از آن جمله تبلیغ این نکته که اسلام، نظام جامع است و تمامی جوانب حیات را فرا می‌گیرد؛

۳. برآوردن نیازهای فکری اسلامی للعمل الاسلامی و این کار نیازمند آن است که مباحثی گسترده، پیرامون بخش‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی و مقارنتی فکری بین اسلام و سایر مذاهب اجتماعی به وجود آید؛

۴. رهبری پیکار اسلامی و نظارت بر آنچه تلاش ورزان مسلمان، در نقاط مختلف جهان اسلام انجام می‌دهند؛

۵. ایجاد مراکز جهانی از مراجع تا پایین‌ترین مراتب دانشمندان دینی در جهت رهبری امت بر مبنای مصالحش. (صدر، ۱۳۷۸ق: ۳۸۴-۳۸۳)؛

۶. قضاء و دادرسی در خصومات بین افراد امت و بین حاکمان بر اساس احکام و تعالیم

اسلامی؛

۷. وضع تعالیم دینی تفصیلات قانونی بر اساس قوانین ثابت شرعی و مقتضیات زمان؛

۸. اجرا و تنفیذ احکام شریعت و تعالیم قوانین استنباطی (قوانین ثانویه).

آیت الله سید باقر صدر معتقد است:

حدود اختیارات دولت اسلامی [مرجعیت] صالح تنها منحصر به اجرای احکام ثابت شریعت نیست، بلکه منطقه الفراغ من التشریح را نیز در بر می‌گیرد. از یک سو، مجری احکام ثابت تشریحی و از سوی دیگر، وضع کننده مقرراتی است که بنا به ضرورت اجتماعی و طبق مقتضیات روز، باید تدوین و اجرا گردد. (صدر، ۱۹۷۹م: ۷۲۱)

وی در تبیین منطقه فراغ می‌گوید:

اولاً، وجود چنین منطقه‌ای امری طبیعی و ضروری است؛ زیرا مقتضیات و اوضاع و احوال زندگانی بشر در این حوزه دائماً در حال تغییرند و یکی از نشانه‌های جاودانه بودن اسلام همین است که این منطقه را از نظر تشریح آزاد گذاشته است؛

ثانیاً، قانون‌گذاری در این حوزه، در اختیار امت، حاکم شرع و یا دولت اسلامی است؛

ثالثاً، تعالیم و قوانین متغیر از احکام اولیه و بر اساس مقتضیات و مصالح عمومی وضع می-

گردند؛

رابعاً، این قوانین متغیر نیز جنبه الزام آور دارند (خواه در زمان حضور معصوم صادر شده باشد و یا در عصر غیبت از طرف مرجع صالح)... محدوده آزادی، که در اختیار اولی الامر قرار می‌گیرد، شامل هر عملی است که طبیعتاً در شرع مباح باشد. پس هرگونه فعالیت و عملی که در شرع، بر حرمت یا وجوب آن تصریح نشده باشد، ولی امر اجازه دارد که با صدور یک حکم قانونی از آن منع یا به انجام آن امر کند. پس، اگر امام معصوم^(ع) از فعلی که طبیعتاً مباح است، نفی کند، آن فعل حرام می‌گردد و اگر بدان امر کند واجب می‌گردد. البته افعالی که از سوی شرع به صراحت تحریم شده‌اند، مانند ربا، قابل تغییر نیست. همچنین فعلی که شریعت اسلام به وجوب آن تصریح دارد. (صدر، ۱۹۷۹م: ۷۲۶)

از نظر سید محمدباقر صدر، منطقه فراغ در زمان غیبت معصوم به دو صورت قابل تشریح

می‌باشد:

در احکامی که مراجع تقلید و مجتهدان بر اساس اجتهاد مشروع دارای چند رأی مختلف هستند، قوه مقننه در برگزیدن یکی از آنها بر اساس مصلحت جامعه آزاد است. برای اموری که

مشمول حکم قاطع وجوب و حرمت نباشد، قوه مقننه که نماینده ملت است، آنچه را که مصلحت مردم می‌داند، به صورتی که معارض با قوانین و احکام اسلام نباشد قانون وضع می‌کند. (مریجی، ۱۳۹۲: ۳۶)

به این ترتیب، با مراجع فتوا و رأی می‌دهند و قوه مقننه یکی را بر می‌گزیند و یا اینکه منتخبان ملت بر اساس مصالح ملت و ضوابط معین اسلام و شریعت، در قلمرو آزادی نظر قانونی تدوین قانون می‌کنند، روشن است که این قانون‌گذاری، نباید با سایر احکام شریعت معارضه داشته باشد. (همان: ۳۶-۳۴)

فقیه بر اساس دیدگاه آیت الله سید باقر صدر می‌تواند (نظارت و خلافت) را در یک جا جمع کند و آن در زمانی است که جامعه، تحت سلطه پادشاه مستبد- در مفهوم شیعه- قرار می‌گیرد. مسئولیت خلافت در کنار نظارت و مراقبت در چنین شرایطی به مرجعیت دینی واگذار می‌شود تا اینکه امت بتواند زیر پوشش این مرجعیت دینی از ستم پادشاه مستبد رها شود. پس از آن خلافت الهی به امت باز می‌گردد و مرجع دینی دوباره به تکلیف خود یعنی نظارت و مراقبت باز می‌گردد. بنابراین و مطابق با آنچه‌آنکه در کتاب **لمحه فقهیه تمهیدیه عن مشروع دستور الجمهوریه الاسلامیه فی ایران**، بیان شده باید در صحنه بوده و دائماً مراقب و ناظر باشد: «امت صاحب حق در مراقبت و سیاست، عهده‌دار حمل امانت الهی است. و تمام افراد امت در دارا بودن این حق در پیشگاه قانون برابرند و فرد فردشان می‌توانند این حق را از طریق ارائه و به کارگیری آرا و افکار و فعالیت سیاسی خود به اشکال مختلف تحقق بخشند...» (صدر، ۱۳۹۹ق: ۳۱-۲۹)

سپس آیت الله محمد باقر صدر نظام اسلامی را بر پایه نظریه متکامل سیاسی در چارچوب شریعت اسلامی است. بدین ترتیب، قانون اساسی بر اصول زیر تمرکز دارد:

۱. احکام شرعی ثابت که فقها بر سر آنان درباره امور اجتماعی حکم یکسانی دارند باید جزء اصول ثابت قانون اساسی قرار بگیرند.

۲. احکام شرعی که در میان فقها نظرات مختلفی درباره آن داده شده است، قوه مقننه باید نگاه شرع را نسبت به آنها مشخص کند، و بر اساس مصلحت عمومی مناسب‌ترین رای ملاک عمل قرار دهد.

۳. قوه مقننه در قانون‌گذاری و تعیین احکامی که از سوی شارع حکم، حکم ایجابی یا تحریمی

آن صادر نشده بنا بر اصل مصلحت عمومی عمل می‌کند، البته به شرطی که با قانون اساسی در تعارض نباشد. (صدر، ۱۹۹۱م: ۵۱-۵۰)

مردم در نظریه آیت الله محمد باقر صدر دارای نقش مهمی هستند. این دیدگاه از نقش مردم در مطرح کردن نظریه‌های بدیل نظریه ولایت مطلقه فقیه یاری می‌جوید- به گونه‌ای که پس از رهایی امت از حکم پادشاه ستمگر خلافت الهی به مردم انتقال می‌یابد. این خلافت الهی به نظر آیت الله محمد باقر صدر بر دو قاعده قرآنی استوار است:

الف) قاعده شورا که در حوزه غیر منصوصات قرار می‌گیرد.

ب) ولایت مساوی مومنین و مومنات بر یکدیگر؛ خلافت مردم در فعال سازی شورا و به کار گیری رای اکثریت در زمان مطرح شدن نظرات متفاوت و گوناگون تبلور پیدا می‌کند. قوه مقننه و مجریه برای فعال سازی این نقش، دو قاعده فقهی را در چارچوب قانون اساسی اجرا می‌کنند. مردم در برابر خداوند مسئول پیاده کردن خلافت خود به واسطه قوه مقننه و مجریه هستند.

ساز و کار فعال سازی خلافت الهی بر مردم از دو طریق زیر صورت می‌گیرد:

اول، انتخاب رییس کشور که صلاحیت او از طریق مرجع تقلید تأیید می‌شود؛

دوم، انتخاب نمایندگان مجلس که مسئولیت آنها به شرح زیر است:

- انتخاب مناسب‌ترین فتوا در اموری که فتاوی مجتهدان در آنها گوناگون است و این امر

بنا به مصلحت عمومی صورت می‌گیرد.

- قانون‌گذاری در اموری که حاکم شارع در آن حکمی ندارد.

- نظارت بر اجرای قانون اساسی و قوانین و مراقبت عملکرد قوه مجریه. (صدر، ۱۹۹۱م:

۱۸-۱۹)

ولی فقیه به عنوان نائب امام غائب در رأس این نظام قرار دارد؛ چرا که وی و پیش از هر چیز دیگری بخش جدا ناپذیری از امت اسلامی است. او با توجه به این موضوع همچون سایر مردم خلیفه خدا در زمین است. اما ولی فقیه به عنوان یک مرجع تقلید مسئولیت‌های زیر را به عهده دارد:

- عالیترین مقام دولت اسلامی و فرمانده کل نیروهای مسلح است.

- نامزدی فردی که به عنوان رییس کشور معرفی می‌شود را تأیید می‌کند، که این امر با توجه

به قانون اساسی صورت می‌گیرد. امضا یا تنفیذ حکم رییس جمهور به عهده اوست. امضا یا تنفیذ

حکم رییس قوه مقننه هم به عهده اوست.

- تشکیل مجلسی به عنوان شورای عالی نظارت.

- تاسیس دیوان مظالم. (کدیور، ۱۳۸۰: ۱۳۲)

بنا بر نظریه صدر، ولی فقیه به منظور اجرای وظایف خود به نحو احسن باید شورای مشورتی تشکیل دهد که اعضای آن صد روحانی و اندیشمند هستند و تعداد مجتهدان در این شورا بیش از ده نفر است.

آیت الله صدر اسم نظریه خود را «جمهوری اسلامی» نامید و بر این اساس، اهداف مورد نظر او یعنی «حکومت مردمی با نظارت مرجعیت» با این نظریه تحقق یافت. جمهوری اسلامی حکومتی پایبند به قانون بوده که تمامی ارکان و نهادهای آن یا بر پایه شریعت یا با انتخاب مردم یا هر دو با یکدیگر شکل می‌گیرند. محسن کدیور معتقد است که در نظریه «جمهوری اسلامی» حقوق سیاسی مردم مستقل از ولایت فقها به رسمیت شناخته شده، و همین عامل تمایز این نظریه به شمار می‌رود. از دیدگاه آیت الله صدر امت (ملت یا مردم) اسلامی مهمترین بخش حکومت را تشکیل می‌دهند. مشروعیت حکومت به رأی و نظر آنان بستگی دارد و لذا اگر حکومتی مردمی نباشد، از مشروعیت برخوردار نیست. هرچند امت خود با تشکیل حکومت و تنظیم وظایف حکومتی بین نهادهای آن ظاهراً کارش را از طریق این نهادها انجام می‌دهد، ولی با انتخاب مرجع ناظر و رئیس جمهور، حق خلافت، نظارت و حاکمیتش را از دست نمی‌دهد و از مسئولیت خلیفه‌اللهی‌اش کاسته نمی‌شود. بنابراین باید در صحنه بوده و دائماً مراقب و ناظر باشد بنابراین و مطابق با آنچه که در کتاب **لمحه فقهیه تمهیدیه عن مشروع دستور الجمهوریه الاسلامیه فی ایران**، بیان شده باید در صحنه بوده و دائماً مراقب و ناظر باشد: «امت صاحب حق در مراقبت و سیاست، عهده‌دار حمل امانت الهی است. و تمام افراد امت در دارا بودن این حق در پیشگاه قانون برابرند و فرد فردشان می‌توانند این حق را از طریق ارائه و به کارگیری آرا و افکار و فعالیت سیاسی خود به اشکال مختلف تحقق بخشند...».

(صدر، ۱۳۹۹ق: ۲۹-۳۱) فی الواقع امت (ملت یا مردم) بنا به این نظریه خلیفه خدا در زمین است که اداره امور اجتماعی و سیاسی را بر عهده دارد. مقصود از ملت در اینجا افراد انسانی فارغ از رنگ و نژاد و ملیت هستند. کما اینکه زنان در کنار مردان در خلافت الهی مشارکت دارند و تفاوتی از این لحاظ بین زن و مرد وجود ندارد. قوه قضائیه بر اساس این نظریه تحت

نظارت و مراقبت مرجع صالح قرار داشته و در هیئت یک نهاد و نه فرد خاصی تجلی پیدا می‌کند. فقیه جامع‌الشرایط در رأس این نهاد قرار دارد. (کدیور، ۱۳۸۰: ۱۳۹-۱۳۶)

چنانکه ملاحظه می‌شود در این نظریه مرجعیت «نهاد مراقبتی و نظارتی نه اجرایی» است. مردم در اینجا مسئولیت اجرای خلافت الهی زیر نظر مرجعیت را برعهده دارند. این نظریه میزان تاثیرگذاری جامعه برای ایفای نقش خود در قدرت را افزایش می‌دهد. مجمع مشورتی ولی فقیه از ده مجتهد و نود کارشناس صاحب تخصص‌های گوناگون تشکیل شده که وجود این نود نفر تاکید بر نقش‌های طیف‌های مردمی مختلف در صحنه سیاسی است.

نتیجه‌گیری

از نظر قائلان به مشروعیت مردمی ولایت فقیه، اعمال حاکمیت فقیه واجد شرایط، از نصب الهی برخوردار نیست بلکه مقبولیت ولایت فقیه، حق مردم است. فی الواقع مقبولیت عمومی هم حق مردم است و هم تکلیف آنان: حق مردم است، چون مادامی که مردم از اعمال حکومت فقیه واجد شرایط، رضایت نداشته باشند، فقیه به دلیل عدم برخورداری از مشروعیت مردمی نمی‌تواند در این منصب قرار گیرد؛ اما تکلیف مردم است، به دلیل این که اگر مردم از فقیه جامع شرایط، رضایت داشته باشند، او می‌تواند در این منصب قرار گیرد. در این راستا آیت الله سید محمد باقر صدر مشروعیت - و مقبولیت حکومت اسلامی را ترکیبی از اراده الهی - مردمی می‌داند. طبق نظر ایشان ولی فقیه تنها ناظر بر اعمال و جریان حکومت است و این مردم هستند که با تأیید خود به اجزای آن حکومت مشروعیت می‌دهند و با عدم تأیید مردم حکومت فقیه دچار عدم مشروعیت شده و ساقط می‌شود.

آیت الله سید محمد باقر صدر با به کارگیری دو عنصر حق خداداد خلافت انسان و نظارت دینی مرجع صالح، «جمهوری اسلامی» را مطرح کرده و راه‌های اعمال خلافت انسان و شیوه و کیفیت نظارت مرجعیت را تشریح نموده است. مطابق با این نظریه، او در کنار پذیرش ولایت فقیه به عنوان منشأ مشروعیت الهی، از نقش مردم در تعیین سرنوشت خویش غافل نماند و با اعطای حق انتخاب به ملت در همه ابعاد و جوانب حکومت، توانست ناسازگاری میان مشروعیت و مقبولیت را بر چیند. مردم در دیدگاه او در انتخاب و تعیین همه ارکان نظام اسلامی، نقش منحصر به فردی ایفا می‌نمایند. ولی فقیه به عنوان رکن اصلی نظام اسلامی، بدون پذیرش مردمی و مقبولیت ملی، قدرت را به دست نمی‌گیرد. مشروعیت حکومت به رأی و نظر آنان

بستگی دارد و لذا اگر حکومتی مردمی نباشد، از مشروعیت برخوردار نیست. هرچند امت خود با تشکیل حکومت و تنظیم وظایف حکومتی بین نهادهای آن ظاهراً کارش را از طریق این نهادها انجام می‌دهد، ولی با انتخاب مرجع ناظر و رئیس جمهور، حق خلافت، نظارت و حاکمیتش را از دست نمی‌دهد و از مسؤولیت خلیفه‌اللهی‌اش کاسته نمی‌شود. مسؤولیت‌های عمده امت عبارت است از: ۱. مشارکت در انتخابات مرجع عام، رئیس جمهور، نمایندگان قوه مقننه و شورای مرجعیت؛ ۲. مراقبت و نظارت همگانی بر حکومت و در صحنه بودن (امر به معروف و نهی از منکر)؛ ۳. بیان آراء، نظرات و اندیشه‌های خود به صورت آزاد.

از نظر آیت الله صدر امت مسلمان مهمترین بخش حاکمیت را تشکیل می‌دهند و مقبولیت حکومت در گرو رأی و نظر مردم است؛ بنابراین حاکمیت مورد نظر یک حاکمیت شرعی - مردمی است که در آن رهبر، حاکمیت خود را هم از جانب شرع و هم از جانب انتخاب مردم کسب می‌کند و به عبارت دیگر، مشروعیت و مقبولیت را با هم داراست.

منابع فارسی

کتب

- قرآن کریم

- آقا بخشی، علی، (۱۳۷۴)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
- اندرو ادگار، پیتر سچ ویک (۱۳۸۷)، مفاهیم بنیادی نظریه‌های فرهنگی، ترجمه مهرا م‌هاجر و محمد نبوی، تهران: انتشارات آگه
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۷۷)، اندیشه سیاسی شهید رابع، امام سید محمدباقر صدر، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۸)، پیرامون وحی و رهبری، قم، الزهرا
- جوان آراسته، حسین (۱۳۸۴)، مبانی حکومت اسلامی، چاپ چهارم، قم، بوستان کتاب
- خسروانی، عباس (۱۳۹۴)، نقش مردم در حکومت اسلامی از نگاه شهید صدر، تهران، مرکز دائرالمعارف بزرگ اسلامی
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۵۹ش)، خلافت انسان و گواهی پیامبران، ترجمه سید جلال موسوی، تهران، روزبه
- علی داری، مسعود مطلبی (۱۳۹۹)، فقه، سیاست و حکومت، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران
- کدیور، محسن (۱۳۸۰)، نظریه‌های دولت در فقه شیعه، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، نشر نی
- کواکبیان، مصطفی (۱۳۷۷)، جمهوریت، مشروعیت و مقبولیت، جمهوریت و انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- موسوی خمینی (ره)، سید روح الله (۱۳۷۸)، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ه)
- (۱۳۶۶)، صحیفه نور، جلد ۲۰ و ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ه)

مقالات

- اکبری، معلم علی (۱۳۸۳)، مشروعیت و مقبولیت ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی^(ه)، مجله علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۲۵، بهار
- شاهرخی، سید حامد (۱۳۹۰)، نقش مردم در حکومت اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری و

شهید صدر، مجله فرهنگ پژوهش، شماره دوازدهم

- مریجی، شمس‌الله (۱۳۹۲) شهید صدر و چالش‌های پیش روی جامعه اسلامی، علوم سیاسی، سال ۵، شماره ۱، بهار و تابستان

منابع عربی

- صدر، سید محمد باقر (۱۳۹۹ق)، *خلافه الانسان و شهاده الانبیا*، تهران، جهادالنبأ
- (۱۳۹۹ق)، *لمحه فقهیه تمهیدیه عن مشروع دستور الجمهوریه الاسلامیه فی ایران*، تهران، جهادالنبأ
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۹۶ق)، *الفتاوی الواضحه*، جلد ۱، بیروت، دارالتعارف
- (۱۳۹۶ق)، *منهاج الصالحین*، تهران، جهادالنبأ
- صدر، سید محمد باقر، (۱۹۹۱م)، *الإسلام يقود الحياه*، بیروت: دار المعارف للمطبوعات.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۸ق)، *الاسس الاسلامیه*، در محمد الحسینی، الامام الشهید السید محمد باقر صدر، بیروت، دارالفرات
- (۱۹۷۹م)، *اقتصادنا*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات
- قیانچی، صدرالدین (۱۹۸۴م)، *بحوث فی خط المرجعیه*، بی جا، بی نا
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ق)، *انوار الفقاهه*، جلد ۱، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)
- مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵ق)، *کلمات سدیده فی مسائل جدیده*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی
- نائینی، میرزا محمد حسین (۱۳۸۲)، *تنبیه الامه و تنزیه المله*، قم، بوستان کتاب
- واعظی، احمد (۱۳۷۸)، *حکومت دینی، تأملی در اندیشه سیاسی اسلام*، قم: انتشارات مرصاد

English Resources

Book

- Barclay, Harold (1990), **People without Government: An Anthropology of Anarchy**. Left Bank Books. ISBN 1-871082-16-1
- Bealey, Frank, ed. (1999), **Government, The Blackwell Dictionary of Political Science: A User's Guide to its Terms**. Wiley- Blackwell. ISBN 0-631-20695-7
- Flint, Colin & Taylor, Peter (2007), **Political Geography: World Economy, Nation-State, and Locality** (5th Ed.). Pearson/Prentice Hall. ISBN 978-0-13-196012-1
- **Oxford English Dictionary: American English** (2012), (Online Ed.) Oxford University Press